

سید علی اکبر واعظ موسوی
«محب الاسلام»

بخشی درباره حدیث
«۴»

احادیث موضوعه

در سه شماره^۴ پیشین (۱۹-۲۰-۲۱) گرامینامه^۴
آستان قدس بخشی تحت عنوان حدیث سلسله الذهب
و نفوذ حدیث در زبان و ادب پارسی طی ۴۵ عنوان
آغاز شد و اینک بخشی دیگر:

۴۶- ارزش و قدس و شرافتی که مسلمین برای حدیث و محدث و علم آن قائل بودند ، و عللی
چند سبب شد که دیگران هم سخنی گویند و به پیامبر بزرگ اسلام نسبت دهند، و آنچه که
مردم از خود گفتند و بر رسول اکرم^ص نسبت دادند «احادیث موضوعه» است .

احادیث موضوعه از طرف «وضاعین» بین دور افتادگان از منطلق قرآن کریم روایح یافت،
مردم عامی فقط از راه خلوص عقیدت نسبت بخدا و رسول سخنان منسوب پیامبر^ص را پذیرفتند:
و دنیا پرستان بی ایمان هم برای دنیای دوزخ و پیشرفت مقاصد شوم خود (جعل حدیث) نمودند
و اینک شمه‌ای از علل وضع حدیث و رواج آن.

۴۷- جعل حدیث :

حدیث در بدو امر نوشته نمیشد و از دهان پیامبر^ص بگوش این و آن میرسید ، و بحافظه
سپرده و بدان اعتماد میشد .

بیست و سه سال از آغاز نزول وحی ، تا پایان زندگانی پیامبر^ص احادیث پراکنده بود
و جعل حدیث آسان مینمود، و گویا «جعل حدیث» در زمان پیغمبر^ص شروع شد زیرا فرمود
«هر که از روی عمد بر من دروغ بزند، در دوزخ جای خواهد گرفت (۱) و احتمال دارد برای
جلوگیری از جعل حدیث در آینده باشد .

۱- من کذب علی معتمدا فلیتیوه مقدمه من النار . مضمون این حدیث را فریقین بامختصر تفاوتی روایت
کرده اند . رك صحيح مسلم ، وكافی

پس از رحلت پیامبر ص جعل حدیث آسان شد و تحقیق صحت و سقم آن سخت شده بود. مسلم از ابن عباس روایت میکند: «ما از پیغمبر ص روایت میکردیم چون مردم راست و دروغ را بهم آمیختند و سخت و آسان را یکسان نمودند از روایت حدیث خودداری نمودیم» (۲)

علامه معاصر امینی در سفر جلیل الغدیر ج ۵ ص ۱۸۵ تا صحیفه ۲۳۶ تحت عنوان «کذابین و ضاعین حدیث» ششصد و بیست نفر را از ضاعین حدیث با مآخذ تمام نام میبرد، که با حروف تهجی از ابان بن جعفر و ابوسعید بصری آغاز شده و بابو مغیره اختتام میپذیرد. جمع احادیثی که از طرف چهل نفر اینان وضع شده به (چهارصد و هشت هزار و سیصد و بیست و چهار) ۴۰۸۳۲۴ حدیث بالغ میشود ص ۲۴۷ ج ۵ (۳)

۴۸- علل جعل حدیث:

مسلمانان، کشورهای دیگر را گشودند، و ملل پارسی و رومی و آفریقائی و سوری داخل اسلام شدند، اما عده‌ای از آنها اسلام را بصورت ظاهر پذیرفتند، جعل و وضع حدیث فزونتر گردید، چه اینان از راه جنگ و نبرد نتوانستند جلو پیشرفت اسلام را بگیرند، لهذا تظاهر به اسلام نموده و افکار باطل، و ای بسا تبلیغات مسموم خود را، بلباس حدیث در آورده بمسلمین تحویل دادند.

ابن الندیم، نام کعب الاحبار، وهب بن منبه، ابن تبهان، یامین بن یامین، عبدالله سلام، بحیر راهب را جزو مسلمانانی که از اهل کتاب بوده‌اند نوشته است.

(فهرست ابن ندیم فارسی ص ۳۷)

اما در تاریخ اسلام بمردانی برخورد میکنیم که منتهم بزندقه و الحاد بوده‌اند از جمله عبدالله بن مقفع که مینویسند باب برزویه و طبیب را از خود بر کلیله و دمنه افزود تا عقیدت مردم را باسلام سست کند و آنان را گمراه سازد.

عبدالکریم بن ابی العوجاء (۴) صالح بن عبدالقدوس، سخنان ناروا بر پیغمبر ص نسبت میدادند تا مردم را از اسلام برکنار سازند.

بشار بن برد که صریحا آتش را شایسته پرستش میدانسته، و ابان بن عبدالحمید لاحقی که بجای (سبحان الله) سبحان مانی! می گفته است (۵).

۲- ضحی الاسلام، ۳- الغدیر ج ۵ ص ۲۴۷ بیعد

۴- ابن ابی العوجاء یکی از زنادقه زمان حضرت صادق ع بود گفتگوی وی با امام در کتب حدیث است ابو جعفر مخمد بن سلیمان عامل منصور دوانیقی در کوفه ویرا گردن زد. رک. تاریخ ابوریحان و هدیه الاحباب

۵- مجله، یغما سال ۱۱ ص ۵۰۷ بنقل احوال و آثار رازی.

۴۹- برای خوش آیند وزیر، خلیفه و... کتابی تدوین میشد، لهذا مطلبی را در کتابی مبینید که نقیض آنرا در کتاب دیگر از همان شخص خواهید دید (ابو طالب مومن قریش) غزالی (۶) در بارهٔ قاتلان ابا عبدالله الحسین ع در احیاء العلوم نظری دارد که همو در کتاب سرالعالمین منسوب باو خلاف آن، نظر داده، یعنی در آغاز لعن بر قاتلان شهید راه حق را جایز نمیشمارد، و در دومی جایز میداند. (۷)

۵۰- معاویه بمنظور عیبجوئی از امیر مومنان علی ع یکعده از اصحاب و تابعین را که مورد وثوق مردم بودند استخدام نمود، تا علیه مولای متقیان ع حدیث جعل کنند ویا تصرف و تغییری در شأن نزول آیات قرآن قائل شوند تا در نتیجه علی ع را قدح نمایند. معاویه یکصد هزار درهم به سمره بن جندب (۸) داد تا وی بگوید: این آیه دربارهٔ علی نازل شده است:

و من الناس من يعجبك قوله في الحيوة الدنيا، ويشهد الله على ما في قلبه وهو الذا لخصم
و اذا تولي سعى في الارض ليفسد فيها ويهلك الحرث والنسل والله لا يحب الفساد
(۲۰۴ - ۲۰۵ بقره) مومن قریش ص ۷۰

۵۱- شیخ طوسی (۹) در بحث خبر واحد تحقیق ارزنده ای دارد که در سخن ما «احادیث موضوعه» شمه ای از آن قابل طرح است و بس مفید. وی گوید:
الف- اصحاب پیغمبر ص حدیث را از رسول گرامی میشنیدند، اما نمی نوشتند، لهذا در بعضی احادیث (سهوی) عارض میشد سپس در نقل آن (غلط) رخ میداد.

ب- یاران رسول در خدمتش بودند که پیامبر آغاز حدیث میکرد، در اثنای حدیث عده ای دیگر وارد میشدند، و چون از ابتدای حدیث نشنیده بودند بوقت نقل، معنی آن تغییر

۶- غزالی - ابو حامد محمد بن محمد بن احمد طوسی اشعری شافعی (۴۵۰-۵۰۵) معروف به حجه الاسلام صاحب احیاء العلوم و کیمیای سعادت و نصیحة الملوك بعضی ویرا شیعه، و برخی او را سنی میدانند و فاش در طوس -

نصیب حجه: الاسلام ازین سرای سنج حیات پنجه و چار و وفات بانصد و پنج

(هدیه الاحباب ص ۲۰۵)

۷- مومن قریش ص ۶۹-۷۰

۸- سمره بن جندب - کشی و نجاشی در رجال، و علامه حلی در خلاصه الاقوال، از وی نام نبرده اند اما مجلسی در «وجیزه» ویرا از مجاهیل شمرده بلی فقط شیخ الطائفة در رجال خود (باب السین) ویرا جزو اصحاب رسول خدا ص که حدیث روایت کرده اند شمرده است. رجال الطوسی ط نجف

۹- برای شرح حال شیخ بکنید به حیاة الشیخ از صاحب الذریعة

میکرد. نظر بهمین جهت بود که هرگاه کسی داخل میشد پیامبر ص حدیث را از نو آغاز میفرمود.

عایشه برخی از احادیث را که از پیامبر روایت میکردند انکار نمود، مانند این سخن (شومی در سه چیز است، اسب- زن- خانه) وی گفتا، رسول گرامی ص نقل قول دیگری را میفرمود اما راوی آغاز نقل را نشنیده بود.

و همچنین نسبت خطاداد بکسیکه از رسول ص روایت میکرد: (تاجر فاجر است - فرزند زنا شریر است عایشه میگفت: سخن پیغمبر ص در باره تاجری مدلس و فرزندی که از زنا بود و بمادرش دشنام میداد وارد شده است ابن عباس نیز آنچه را که ابن عمر روایت میکرد، انکار نمود «میت از گریه خاندانش براو شکنجه و عذاب میبیند» ابن عباس گفت دهل ابن عمر این حدیث را چنین روایت کرده است: «همانا میت در عذاب و گرفتاری است و در همانحال خاندانش برو میگیرند».

شیخ الطائفه گوید: برخی از اصحاب معنی حدیث را بدون لفظ روایت میکردند، لهذا در نقل حدیث غلطی واقع میشد (۱۰) «پایان قول شیخ ...»

۵۱- نشان وضع حدیث:

آنستکه طی کتب حدیث، ستایش مغیره بن شعبه زناکار، مدح مروان حکم وزغ (۱۱) (علی لسان رسول الله) و عمرو بن عاص منافق، و معاویه فرزند هند جگرخوار و ائمه ضلال و امثال آنانرا می بینید.

۵۲- ضحی الاسلام مینویسد: دشمنی و اختلاف بین دسته های مختلف بنام ابوبکر و علی یابین علی و معاویه و عبدالله بن زبیر و عبدالملک بن مروان یا میان بنی امیه و بنی العباس سبب شد که طرفداران هر دسته ای بر ذم خصم و مدح خویش احادیثی از زبان پیغمبر ص جعل کنند (۱۲).

۵۳- ابن عرفة گوید: اغلب احادیثی که مشعر به فضیلت یاران پیغمبر است از زمان بنی امیه جعل شده زیرا آنها میل داشتند بنی هاشم را خورد و حقیر کنند. بسیاری از احادیث در فضل قریش، انصار، جهنیه، خزیمه، اسلم، غفار، اشعریها حمیریها، جعل شده است و همچنین احادیثی که

۱۰- عده الاصول ط بمبئی ص ۳۶ سال ۱۳۱۲ هـ

۱۱- النزاع والتحام ص ۵ بنایع الموده ص ۲۵۶ شرح نهج البلاغه ۱۵۵ کشف الاستار ص ۸۵ بوهریره

ص ۱۳۶ الدموة: ۱۸۹ الغدير ۱۳۰ ج ۲۵۲ و ۲۶۶ و ج ۸ بنقل ابوطالب مومن قریش

۱۲- ضحی الاسلام بحث حدیث

مشرع به افضلیت و برتری عرب نسبت به عجم، از روم و ایران و حبشه و ترکاست.
۵۳- تعصب برای شهر و بلاد نیز چنین بوده است مکه، مدینه، جیل احد، نجد، یمن، شام، بیت المقدس، مصر و ایران و کشورهای دیگر هر یک از آن معجولات، بهره‌ای داشتند، یعنی هر کدام برای فضیلت موطن خویش احادیثی از زبان پیامبر ص نقل کرده‌اند.

۵۴- اختلاف فقه، علم کلام، از قبیل جبر و اختیار، قضا و قدر، موجب جعل حدیث شد، معتقدین بهر یک از این عقاید برای تأیید عقیدت خویش جعل و دروغ را روا میدانستند، و بعضی هم نام فرقه و جمعی را در حدیث میبردند، و نفرین پیغمبر را در حق فرقا و موسس آن ذکر میکردند.

مذهب ابو حنیفه که اغلب احادیث را معجول میدانسته برای تأیید و ترویج آن از جعل حدیث هم بی بهره نبود (۱۳).

ابن خلون گوید: در نظر ابو حنیفه هفده حدیث صحیح بوده با وجود این برای فضیلت آن مذهب چندین کتاب پر از احادیث معجول شده بود.

۵۵- بعضی در مسائلی که داخل حلال و حرام نبوده سهل انگاری کرده‌اند و جعل حدیث را برای وعظ و اندرز روا دانسته‌اند کتابها و نامه‌ها را پر از حدیث معجول نموده‌اند، مثلاً در بارهٔ بعضی از اشخاص که پیغمبر ص آنها را ندیده‌اند مانند: وهب بن منبه یا عقبه بن نوح و ابی مریم حدیث جعل نموده‌اند.

۵۶- گمانست افراط مردم در خودداری از احکام شرعی که در بارهٔ آنها حدیثی وارد نشده نیز باعث جعل حدیث گردیده است. گذشته از احکام حلال و حرام که اگر مبنی بر سنت و حدیث نبود، مورد توجه واقع نمیشد، و اغلب علماء در آن زمان با جتهاد قائل نبوده‌اند. وعظ و پند و اندرز، اگر ناشی از حکمت یونانی، و آثار پارسی و هندی میبود، یا از تورات و انجیل نقل میشد مورد توجه واقع نمیشد (۱۴) کسانی که در این مورد دستی داشته‌اند برای نشر و ترویج مایه مزبور چیزی بهتر از دیانت ندیده‌اند و راه دیانتی که امکان نفوذ داشت منحصر بخدیث بود. لهذا آثار زردشت و فلسفهٔ پارسی، اندرز اسرائیلی، و پند مسیحی را بخدیث آمیخته‌اند (۱۵)

۵۷- فشار بر شیعه:

فشار بنی‌امیه بر پیروان و دوستان آل عصمت و طهارت نیز موجب جعل احادیث

۱۳- ضحی الاسلام بحث حدیث

۱۴- پرتو اسلام بحث حدیث

۱۵- پرتو اسلام بحث حدیث

گشت، احمد امین (۱۶) مینویسد: بنی‌امیه به‌شیعه اهمیت داده و جاسوسان بسیاری برای کشف عمل آنان استخدام نموده آنها را در هر جائیکه یافتند و تحت فشار گذاشتند، بنی‌امیه حسن بن علی را با دشنه مجروح کردند و قصد آنها کشتن بود، لشکر ویرا متفرق نمودند دست و پای اولاد علی را قطع نمودند حسین بن علی ع را هم در واقعه کربلاء کشتند، خاندان علی را دچار فشار و سختی نمودند، شیعیان راجستجو و خانه آنها را ویران میکردند، هر که بتشیع متهم می‌شد، دچار بلامیگرید، در ایام عبدالله بن زیاد محنت آنها فروتر گردید، حجاج هم بعد از او آنها را با بدترین حالی کشت و هر تهمتی در نظر او از تهمت تشیع آسانتر بود، بحدی که اگر شخصی را کافر و زندیق می‌گفتند بهتر و گوارا تر از این بود که او راشیعه بخواند. گویند شخصی گویا جد اصمعی باشد و بروی حجاج ایستاد و گفت ای امیر پدر و مادرم نسبت بمن ستم کرده و نام مرا علی نهاده‌اند و اکنون من تهیدست و بیچاره هستم، حجاج خندید، حکومت يك محل را با او واگذار نمود (۱۷).

مدائنی گوید زیاد بن سمیه ریشه شیعیان را کند، زیرا او بهتر از دیگران آنها را میشناخت چه خود او نخست شیعه بود و از یاران علی ع بشمار میرفت او دست و پای شیعیان را میرید و چشم آنها را کور میکرد، و بنخل خرما می‌کشید، و تیرباران میکرد، بحدیکه هیچیک از آنها در عراق نماندند.

معاویه بحکام نوشت و تاءکید کرد، که شهادت اولاد علی ع و خاندان علی را نپذیرید و بالعکس یاران عثمان را مقرب کنید، و آنچه را که در فضیلت عثمان حدیث روایت میکنند نقل، و برای من ارسال دارید و نیز جهت کسانی که برای عثمان حدیث نقل میکردند جایزه معین کرده بود، بدین سبب روایات مکرمت عثمان فزون از اندازه شد. وی بعمل خود امر داده بود که نام شیعیان را از نامه دیوان پاک کنید، و آنها را از هر حقی که داشتند محروم ننماید. بنی‌عباس هم کم از بنی‌امیه نبودند زیرا در زمان بنی‌امیه در دشمنی شیعیان با آنها همکاری میکردند، چون بخلافت رسیدند ریشه آنان را کردند و فشار و سختی و ظلم و ذلتی که به شیعیان رسیده بود، باعث پنهان کردن عقیدت و اظهار خلاف مقصود بود (۱۸).

۱۶- ما از گفتار احمد امین نقل کرده‌ایم که وی نظر خوشی بشیعه نداشته و خطابه‌های علامه مرحوم شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء بوی معروف است که فرمود ما کتب شمارا میخوانیم شما کتب شیعه را نخوانده چرا قضاوت میکنید؟! و....

۱۷- جوابی است بکسانیکه «شیعه» را پدیده ایرانیان و دوره صفویه مینویسند ...

۱۸- ضحی‌الاسلام بخت حدیث

۵۸- آئمه ارشاد میکنند :

دشمنان دین از راه جعل حدیث عقاید باطل و سخنان فاسد خود را چنان بین مسلمانان با صفا ، رسوخ دادند که تشخیص صحیح از سقیم آنها برای اهل فن نیز دشوار گشت .
 شیخ بهاء الدین محمد عاملی (۱۹) از قول غلامه و زنادقه گوید : احادیث را بدیده دقت نگرید زیرا کهما (غلامه - زنادقه) هر گاه چیزی میخواستیم برای آن حدیثی وضع میکردیم (۲۰) بموازات کوششی بیگانگان برای قبولاندن عقاید باطل خود بلباس حدیث آئمه معصومین ع که از خاندان پیغمبرند از بیان حقایق و حل مشکلات و رد باطیل و عقاید سخیف اهل اطل درین نورزیدند .

شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه از ابراهیم بن محمود (۲۱) روایت میکند که وی گفت بامام هشتم ع عرض کردم : ای فرزند رسول خدا رایی و عقیدت شما، در این حدیث چیست؟ از رسول خدا روایت میکنند که وی فرموده است: «خداوند در هر شب جمعه ساعتی بآسمان دنیا فرود میآید» امام فرمود خداوند لعن کند کسانی را که کلام را از محل و موضع خودش تغییر میدهند، بخدا سوگند رسول خدا ص چنین فرموده است ، رسول خدا ص فرمود : خداوند متعال در ثلث آخر هر شب و اول هر شب جمعه فرشتهای را بآسمان دنیا می فرستد ، و آن فرشته از جانب خداوند ندای میکند آیا مستمندی هست که بخواهد و من عطا کنم؟ آیا توبه کاری هست که توبه کند و من ببپذیرم؟ آیا کسی هست که آمرزش بخواهد و من او را بیامرزم؟ ای جوایب خیر! پیش آی و ای طالب شر کوتاه کن همچنان تا طلوع صبح یکسره ندا میکند و سپس بمحل خود بملکوت آسمانها میرود . پدرم از قول جدم از آباء خود از رسول خدا ص بمن چنین حدیث فرمود (۲۲) .

۱۹- شیخ الاسلام والمسلمین بهاءالمله و الحق والدین شیخنا الاجل محمد بن الحسن بن هبید الصمد الجبمی الحارثی (۹۵۳-۱۰۳۰) نجه-المقال و فائش را ۱۰۳۱ هـ نوشته است «هدیه الاحباب» ص ۱۰۹ و لباب الالقاب ۹۵۱-۱۰۳۱ نوشته است .

حبل المتین- اربعین - مشرق الشمین - مفتاح الفلاح تشریح الافلاک - زبده - خلاصه الحساب - حواشی تفسیر بیضاوی - کشکول از آثار شیخ است

۲۰- اربعین شیخ بهائی ذیل حدیث ۲۱ ۲۱- ابراهیم بن محمود - ابراهیم بن ابیالمحمود الخراسانی ثقه- روی عن الرضا ع له کتاب یرویه احمد بن عیسی - نجاشی .

۲۲- ما روی الصدوق فی الفقیه عن ابراهیم بن محمود قال قلت للرضاع یابن رسول الله ما تقول فی الحدیث الذی یرویه الناس عن رسول الله ص انه قال ان الله تبارک و تعالی ینزل فی کل ساعه- الی السماء الدنیا فقال لمن الله المحرفین الکلام عن مواضعه، والله ما قال رسول الله ذلك انما قال ان الله تبارک و تعالی ینزل ملکا الی السماء الدنیا فی کل لیل فی الثلث الاخیر و لیله الجمعه فی اول اللیل فیامره فیتادی هل من سائل فاعطیه هل من تائب فاتوب علیه؟ هل من مستغفر فاغفر له یا طالب الخیر اقبل، و یا طالب الشر اقصر ، فلا يزال ینادی حتی یطلع الفجر عاد الی محله من ملکوت السماء حدثنی بذلك ابی عن جدی عن آباءه عن رسول الله ص. (مرآة العقول ج ۳ باب فضل الجمعه ط عین الدوله)

۵۹- نمونه‌ای از احادیث موضوعه:

الف - شیخ عبدالجلیل رازی (ره) خبری را از قیس بن ابی حازم دیوانه نقل میکند که از موضوعات است: بزودی پروردگار خود را خواهید دید آنطوریکه ماه شب چهارده را... (۲۴) که اهل سنت روایت کرده‌اند.

ب- از جمله احادیث موضوعه که شیخ بهائی از قول صنعانی در الدرالملتقط ذکر نموده است این حدیث منسوب به پیغمبر است: خوشبخت آنستکه از غیر خود پند گیرد و شاترده حدیث دیگر را نیز نقل میکند.

ج- بخاری با دقت و تحقیقی که داشت بعضی از احادیث را که روزگار کذب آنها را مسلم داشته نقل نموده است مانند: پس از صدسال جانوری در روی زمین زنده نخواهد ماند.. یا: هر که با هفت دانه خرما ناشتارا بشکند زهر و جادو در او اثر نخواهد کرد. (۲۸)

د- این جمله را نیز بر رسول اکرم ص نسبت داده‌اند و از احادیث موضوعه است: «رأیت ابا طالب فی ضحاح من نار» کسانی که بخواهند درباره ایمان ابوطالب مطالعه کنند بمآخذ ذیل رجوع فرمایند:

کافی، باب مولد النبی حدیث ۲۱، مرآة العقول ج ۱ ص ۳۶۴ - الحجة علی الزاهب الی تکفیر ابی طالب ص ۴ النقض ص ۵۴۴ بعد ابوطالب مومن قریب.

در الحجة علی الزاهب که از سید جلیل فخار بن معد موسوی و از مأخذ علامه مجلسی است و در بحار الانوار ازو تجلیل نموده است این حدیث آورده شده: ان الله حرم النار علی صلب انزلک و بطن حملک و ثدی ارضک و حجر کفک. که دلالت بر ایمان عبدالله و آمنه و حلیمه و ابوطالب دارد.

ه- ان الله ائتمن علی و حیه جبرئیل و انا و معاویه و کاد ان یبعث معاویه نبیا من کثره علمه و ائتمانه علی کلام ربی یغفر الله ذنوبه و و قاه حسابه و علمه و کتابه و جعله هادیا مهدیا و هدی

۲۲- النقض ص ۵۴۴ بعد ۲۴- ان الشیطان لیفر من ظل عمر ص ۲۷۰- النقض.

۲۵- النقض ص ۲۹۶

۲۷- النقض ۲۸- پرتو اسلام بحث حدیث و من الموضوعات زرفیا تزد دحبا من قادربین

خطره عفی الله له - العلم علمان علم الابدان و علم الادیان - الجنة دار الاسخياء - اطلبوا النخیر عند حسان الوجوه - لاهم الهم الدین لا وجع الاوجع العین - الموت کفاره - لكل مسلم - ان التجاره - هم الفجار - سفینه - البحار ج ۱ ص ۲۳۱ بعد

به مومن قریش ص ۷۸ - الغدير ج ۵ ص ۲۶۲

۶۰- سفینه البحار از قول صنعانی احادیثی از موضوعات نقل میکند از جمله : دوستان را دیر تر زیارت کن که محبتت زیادت گردد . زرغباترد دحبا . نظر کردن بسبزیها نیروی دیدن را زیاد میکند. النظر الى الخضرة تزيد في البصر . بهشت خانه سخاوتمندانست ، طاعت زنان موجب پشیمانی است - خیر را از خوشرویان بجوئیدغمی جز غم قرض و دردی بجز درد چشم نیست . مرگ کفارہ مسلمانان است - بازرگانان فاجرند الغدير ج ۵ ص ۳۰۹ - ۲۴۰ فقراتی از احادیث موضوعه را در شان ابو حنیفه و دیگران ارائه میدهد که از آنجمله است ۱ - یكون في آخر الزمان رجل یکنی بابی حنیفه هو خیرهنه الامه ۲ - رسول خدا با جبرئیل مشورت کرد که آیا معاویه را بکتابت انتخاب کند یا نه؟ جبرئیل گفت وی را به کتابت بگیر که امین است ص ۳۶۰ ۳ - انس گفت امنا هفت نفرند : لوح ، قلم ، اسرافیل ، میکائیل ، جبرئیل ، محمد ، معاویه ، الغدير ج ۵ ص ۳۶۰ مومن قریش ص ۷۷ .

۶۱- توضیح

بحث تفصیلی در باره این احادیث بطول خواهد انجامید اما برای نمونه فقط يك حدیث را بدیده تحقیق مینگریم و از باقی گذشته و میگذریم .

علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل . این عبارت را مرحوم مجلسی در جلد اول بحار الانوار ط امین الضرب ، آخر باب ثواب الهدایه والتعلیم ص ۷۶ ضمن این حدیث نقل کرده است اذا مات المؤمن انقطع عمله الا من ثلاث صدقه جاریه او علم ینتفع به او ولد صالح یدعو له ، و قال ص : یا علی نوم العالم افضل من الف رکعه یصلیها العابد ، یا علی لا فقر اشد من الجهل ولا عباده مثل التفکر - و قال علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل .

ماخذ مجلسی در نقل این حدیث عوالی اللئالی از ابن ابی جمهور احسانی است ، محقق بحرانی و شیخ انصاری در اعتبار این کتاب تشکیک کرده اند و محدث نوری اصراری بر اثبات عین اعتبار این کتاب دارد (۲۹) .

گذشته از اعتبار و عدم اعتبار این کتاب شیخ حر عاملی محدث نقاد و بصیر گوید: بیاد ندارم که احدی از محدثین ما این حدیث علمای امتی... را در کتب معتمده خود روایت کرده باشند بلی بعضی از متأخرین (علامه حلی - تحریر) و در غیر کتب حدیث نقل نموده اند ، گویا از روایات یا از احادیث موضوعه عامه است اینان خواسته اند این حدیث را وسیله استفنای

مردم از ائمه معصومین ع قرار دهند .

زیرا این حدیث مناسب طریقت ایشانست که افراطی در تعظیم علمای خود روا میدارند با علم بفسق اکثر ایشان و پس از احتمالاتیکه شاید از موضوعات (عامه یا متصوفه) است سپس شیخ دوازده احتمال د رمعنی این حدیث و تطبیق معنی آن با ائمه معصومین مینویسد :

سید جزائری قدس سره گوید از حدیث علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل در کتب اخبار اطلاع نیافتم بلی بعضی از متأخرین اصحاب ما در غیر کتب حدیث نقل کرده اند ، دانشمندان دیگری نیز اظهار عدم اطلاع از این حدیث کرده اند لهذا گاهی به عامه نسبت داده اند و گاهی بصوفیه . (۳۰)

سید عبدالله شبر عالم نقاد شیعه گوید : از حدیث علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل ، او افضل من انبیاء بنی اسرائیل در اصول معتمد شیعه و کتب اخبار پس از فحش و تتبع چیزی نیافتم . از کسانیکه تصریح به وضع این حدیث کرده اند یکی محدث جلیل شیخ حر عاملی در فوائد طوسیه و محدث شریف سید جزائری است سپس دو توجیه میکند که ملخص آن اینست :

الف - منظور از علماء ائمه معصومین باشند، بدلیل گفتار خودشان : نحن العلماء و شیعتنا المتعلمون و سایر الناس غناء

ب - یا مقصود از علماء امتی علماء فرقه ناجیه باشند و (۳۱) .

از علماء اهل سنت شیخ ابوالمحاسن محمد القاوقجی الحسنى المشیشی صاحب کتاب «اللؤلؤ المرصوع» نیز تصریح نموده است که این حدیث از موضوعات است .

ترمذی متوفی ۲۹۵ ققیه شافعی و دمیری متوفی ۸۰۸ هـ و ابن حجر متوفی ۸۵۲ هـ گفته اند: این حدیث اصالت ندارد . و اما زرکشی این حدیث را در مختصر المقاصد آورده است که علی قاری گفته است : اما حدیث العلماء ورثة الانبیاء را چهار نفر روایت کرده اند (۳۲) .

۶۳- نمونه ای دیگر از احادیث موضوعه

احمد و مسلم از ابوهریره روایت کرده اند که پیغمبر فرمود: نیل و سیحون و جیحون و فرات، از نهرهای بهشتند ، و این گفتار را کعب الاحبار عینا روایت کرده آنجا که میگوید : چهار نهر است که خداوند عز وجل آنها را در دنیانهاده است نیل که در بهشت نهر عسل است، فرات که نهر شیر است ، و سیحون که در بهشت نهر آبست و جیحون که نهر شیر است (۳۳)

۳۱- مصابح الانوار ج ۱

۳۰- میزان الملل رفع اشتباه از محدث ارموی

۳۲- شیخ المصیر

۳۳- اللؤلؤ المرصوع ص ۵۱ بنقل میزان الملل

این قول از افسانه‌های بسیار قدیمی است و نه تنها افسانه اسرائیلی است بلکه تاریخ آن بدورانه‌های سیارپیش میبوندند. علماء حدیث (در باب اکابر از اصغر یا صحابه از تابعین) نقل کرده‌اند که ابوهریره و سه نفر عبدالله (۳۴) و افراد دیگر جز ایشان از کعب الاحبار (۳۵) عالم یهودی که از راه دروغ اظهار اسلام میکرد، ولی قلبش همچنان به یهودیت متمایل بود نقل خبر کرده‌اند.

سیوطی در الفیه گفته است:

و قد روی الکبار عن صغار

و منه اخذ الصحب من اتباع

کالجبر عن کعب و کاترهری

فی السنن او فی العلم والمقدار

وتابع عن تابع الاتباع

عن مالک و یحیی الانصاری (۳۶)

از صحابه ابوهریره بیشتر فریفته کعب الاحبار بوده و بدو وثوق داشته و از او نقل میکرده است. کعب با زیرکی و هوشی که داشت تسلط خاصی بر سادگی ابوهریره پیدا کرده بود و دید آنچه از افسانه او اوهام و خرافات اسرائیلی در دین اسلام وارد کند از راه ابوهریره نزدیک تر مینمود (۳۷)



۲۴- عبدالله بن عباس - عبدالله بن عمر - عبدالله بن عمرو العاص

۲۵- کعب الاحبار از بزرگترین احبار یهود در عصر خویش بوده است وی در زمان عمر بظاهر اسلام آورد او و رفیقش (وهب بن منبه) هرچه خواستند در اسلام اشاعه دادند کعب در قتل عمر دستی داشت سبط ابن جوزی در مرآة الزمان گوید اهل حدیث در روایات کعب توقف کرده‌اند. ابن کثیر و معاویه در باره او گفته‌اند ما از کعب دروغ میشنیدیم، طالب تفصیل بکتاب (اضواء علی السنه: المحمدیه) بنگرد.

۳۶- الفقیه مرافی ص ۲۳۷- ۲۲۸ - فتح المفیث ص ۸۲۲- ۸۲۳

۳۷- بزرگان حدیث ص ۶۹